

کیفیت اطلاعات داخلی، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها

آرش تحریری

استادیار حسابداری و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

مهین خوئینی*

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

چکیده

اطلاعات یک منبع حیاتی برای هر سازمان است که مدیران و سهامداران برای اتخاذ تصمیماتشان از آن استفاده می‌کنند. اجتناب مالیاتی یکی از این تصمیمات مهم مدیریتی، می‌باشد که بر پایه اطلاعات داخلی اتخاذ می‌گردد. در این پژوهش، اثر کیفیت اطلاعات داخلی و کیفیت افشا بر اجتناب از مالیات و ریسک ناشی از استراتژی‌های اجتناب مالیاتی، در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای آزمون این رابطه‌ها از اطلاعات ۹۶۷ سال - شرکت شامل ۱۶۹ شرکت در طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۲ استفاده گردیده است. روش تحقیق این پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، رگرسیون خطی چندمتغیره بکار گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهند هرچه کیفیت اطلاعات داخلی بیشتر باشد، اجتناب از مالیات بالاتر خواهد بود و اثر مثبت آن در شرکت‌هایی که با عدم قطعیت بالاتری همراه هستند، بیشتر است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که کیفیت بالاتر اطلاعات داخلی، ریسک ناشی از روش‌های اجتناب مالیاتی را کاهش نمی‌دهد در حالی که کیفیت افشای بالاتر، با اجتناب از مالیات کمتری همراه است.

واژگان کلیدی: اجتناب از مالیات، ریسک مالیات، کیفیت افشا، کیفیت اطلاعات داخلی.

* ایمیل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: mahinkhoeini@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۹/۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۲/۱۳

۱- مقدمه

اطلاعات یک منبع حیاتی برای هر سازمان است که استفاده‌کنندگان از آن را می‌توان به دو دسته درون‌سازمانی و برون‌سازمانی طبقه‌بندی کرد. از جمله استفاده‌کنندگان، مدیران و سهامداران هستند که برای اتخاذ تصمیماتشان از اطلاعات استفاده می‌کنند (بهرامفر، رسولی، ۱۳۷۷: ۸۷). اجتناب از مالیات از جمله تصمیمات مهم مدیریتی می‌باشد که بر پایه اطلاعات داخلی است و از سوی دیگر تحت تاثیر افشای اطلاعات برای سهامداران کاهش می‌یابد. مالیات یکی از هزینه‌های عمده‌ای است که افراد و شرکت‌ها به موجب فعالیت‌های درآمدزای خود با آن روبرو می‌شوند. به دلیل آنکه پرداخت مالیات، ثروت را از شرکت و مالکان آن به دولت منتقل می‌کند، اغلب شرکت‌ها اقدامات مدیریتی خود را به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند که تعهدات مالیاتی خود را کمینه سازند. راهبرد برنامه‌ریزی مالیاتی به معنی به تعویق انداختن پرداخت مالیات تا حد ممکن و کاهش ارزش فعلی مالیات‌های پرداختی است (جهرومی، ۱۳۹۲: ۴۲).

به طور کلی، دو نظریه مرتبط با فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها وجود دارد: نظریه ارزش‌آفرینی اجتناب مالیاتی و نظریه هزینه نمایندگی ناشی از اجتناب مالیاتی (حقیقت، محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۰).

نظریه اول بیان می‌دارد که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه‌جویی وجه نقد، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را انجام می‌دهند. طبق این نظریه، علی‌رغم تفکیک کنترل از مالکیت، اجتناب از مالیات ارزشمند است و ثروت سهامداران را افزایش می‌دهد (هانلون^۱ و هیتزمن^۲، ۲۰۱۰: ۱۳۸). بنابراین مدیریت باید به دنبال افزایش سطح اجتناب از مالیات باشد. یکی از راهکارها، افزایش کیفیت اطلاعات داخلی است که براساس آن برنامه‌ریزی‌های مالیاتی صورت می‌پذیرد. طبق تئوری تصمیم، توانایی مدیر برای اجتناب از مالیات احتمالاً از کیفیت اطلاعاتی که براساس آن‌ها تصمیمات مالیاتی اتخاذ می‌شود، متاثر است. بنابراین هرچه کیفیت اطلاعات محیط داخلی که اساس برنامه‌ریزی‌های مالیاتی هستند، بالاتر باشد، اجتناب از مالیات بالاتر خواهد بود. از آنجا که عدم قطعیت در شرکت‌ها، توانایی مدیران برای تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد و از توانایی برنامه‌ریزی‌های مالیاتی شرکت می‌کاهد، به نظر می‌رسد که کیفیت اطلاعات می‌تواند نقش مهم‌تری در اجتناب از مالیات شرکت‌هایی که عدم قطعیت بیشتری دارند، بازی کند و اثر مثبت کیفیت اطلاعات داخلی بر اجتناب مالیاتی برای شرکت‌های با عدم قطعیت بالاتر، بیشتر است. به علاوه کیفیت بالای محیط اطلاعات داخلی به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که به جای استفاده از فرصت‌های یکباره و ریسکی، فرصت‌های اجتناب از مالیات بلندمدت‌تر با مزایای محکم‌تری را بیابند (میلز و همکاران^۳، ۱۹۹۸: ۲). بنابراین پیش‌بینی می‌شود که محیط اطلاعات داخلی بالاتر با ریسک مالیاتی کمتری همراه باشد.

دیدگاه دیگر در مورد اجتناب از مالیات، به مسئله نمایندگی مربوط می‌شود که در این حالت اجتناب مالیاتی به‌عنوان ابزاری به منظور ایجاد سپر برای فرصت طلبی مدیران است (نظریه فرصت طلبی مدیریتی) (پورحیدری، فدوی، امینی نیا، ۱۳۹۳: ۷۳). جدایی مالکیت از مدیریت، می‌تواند منجر به تصمیمات مالیاتی شود که در راستای منافع شخصی مدیران است. بنابراین چالش سهامداران یافتن مکانیزمی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از اجتناب مالیاتی است. کیفیت افشا یکی از سازوکارهای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی است. بنابراین هرچه کیفیت افشا بالاتر باشد، اجتناب مالیاتی که منجر به مسائل نمایندگی می‌شود، پایین‌تر خواهد بود (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۵).

در این پژوهش از هر دو دیدگاه، پدیده‌ی اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر اجتناب مالیاتی ارزش آفرین باشد، بنابراین بالابودن آن مطلوب است (هانلون و هیترمن، ۲۰۱۰: ۱۲۸). یکی از عوامل برای بالابودن اجتناب از مالیات، کیفیت اطلاعات داخلی است که بر مبنای آن تصمیمات مالیاتی اتخاذ می‌گردند. اما در صورتی که از دیدگاه مسئله نمایندگی به این موضوع نگاه شود، بالابودن آن نشانه خوبی نیست و باید به دنبال مکانیزمی برای کاهش آن بود. کیفیت افشا به عنوان راه‌کاری برای کاهش اجتناب مالیاتی مطرح است (رایینسن^۴ و اسمیت^۵، ۲۰۱۳: ۸۷). به طور کلی در این پژوهش سعی شده است تا نقش جنبه‌های مهم داخلی شرکت از یک سو و از سوی دیگر نقش کیفیت افشا در اجتناب از مالیات روشن شود. اثر کیفیت اطلاعات داخلی و کیفیت افشا بر اجتناب از مالیات و ریسک ناشی از استراتژی‌های اجتناب مالیاتی و اینکه این اثر مثبت بر کدام شرکت‌ها بیشتر است، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲- مبانی نظری، ادبیات پژوهش و فرضیه‌ها

براساس فرض‌های اساسی در ادبیات مالی، هدف اصلی شرکت‌ها، افزایش ارزش شرکت و بیشینه‌سازی ثروت سهامداران است و بدین منظور مدیران از روش‌هایی استفاده می‌کنند که آن‌ها را در رسیدن به این مهم یاری کند. پرداخت مالیات منجر به کاهش سود و وجوه باقیمانده برای سایر ذی‌نفعان شرکت از جمله سهامداران می‌شود. از این رو به طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران آن اقداماتی را در جهت اجتناب از مالیات انجام دهند. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختنی است (هانلون و هیترمن، ۲۰۱۰: ۱۳۷).

مدیران بر پایه اطلاعاتی که دارند، به برنامه‌ریزی‌های مالیاتی می‌پردازند تا منابع را از دولت به سهامداران انتقال دهند. کیفیت اطلاعات داخلی باعث تسهیل امر تصمیم‌گیری مدیران می‌گردد. در ادبیات حسابداری مدیریت، این موضوع که کیفیت اطلاعات داخلی منجر به تصمیمات

مدیریتی بهتر می‌گردد، مکرراً مورد بحث قرار گرفته است. به عنوان مثال پژوهش بریزل^۶ و دنگ^۷ (۲۰۰۸: ۴) بیان می‌دارد که هرچه کیفیت اطلاعات داخلی بالاتر باشد، اطلاعات به‌موقع‌تری درباره شرایط مالی شرکت برای مدیریت فراهم می‌گردد و موانع بین چرخه های حسابداری حذف می‌گردند. با بهبود کیفیت اطلاعات داخلی، محیط داخلی شفاف‌تر می‌گردد و بنابراین یافتن اطلاعات و هم‌چنین یکپارچگی آن‌ها در چنین محیطی، آسان‌تر خواهد بود.

طبق تئوری تصمیم، کیفیت اطلاعاتی که بر مبنای آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود، بر کیفیت تصمیمات اتخاذ شده اثرگذار است. هربت سایمون و جیمز مارچ از نظریه‌پردازان در حوزه تئوری تصمیم، در ارائه‌ی مدل رضایت‌بخش، تصمیم‌گیری را از جنبه‌ی روانی مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و آن‌ها بر جنبه‌ی روانی و اجتماعی تصمیم‌گیری در سازمان تاکید ویژه‌ای داشتند. این مدل تشریح می‌کند که چطور مدیران در برخورد با موقعیت‌های غیربرنامه‌ریزی‌شده و بی‌اطمینانی و ابهام تصمیم‌گیری می‌کنند. سایمون مفهوم «عقلانیت محدود» را مطرح کرد. عقلانیت محدود به این معناست که افراد در تصمیم‌گیری محدودیت‌هایی دارند، آن‌ها زمان و یا توان شناختی را برای پردازش همه اطلاعات ندارند (فرهنگی، شاهمیرزایی، حسین‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۷۸). بنابراین با توجه به محدودیت‌های زمانی و شناختی، هرچه کیفیت اطلاعات داخلی که اساس تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی هستند، بالاتر باشد، اجتناب مالیاتی به عنوان یک هدف سازمانی بالاتر خواهد بود و توانایی شرکت برای اجتناب از مالیات، احتمالاً از کیفیت اطلاعاتی که براساس آن‌ها برنامه‌ریزی‌های مالیاتی انجام می‌شود، متاثر است. کیفیت محیط اطلاعاتی داخلی شرکت براساس نرخ دسترسی، سودمندی، قابلیت اطمینان، صحت و کیفیت داده‌ها و اطلاعاتی که در داخل شرکت، ایجاد، جمع‌آوری و یا مورد استفاده قرار می‌گیرند، تعریف می‌گردد.

براساس شواهد به نظر می‌رسد که کیفیت محیط اطلاعات داخلی شرکت نقش مهمی در اجتناب از مالیات شرکت دارد. به عنوان مثال، مک کینون^۸ (۲۰۱۲) پیش‌بینی کرد که اگر سیستم‌های حسابداری شرکت نتوانند به خوبی اطلاعات لازم را فراهم آورند، چندین سال طول می‌کشد تا اسناد پردازش شده طبقه‌بندی شوند و از اطلاعات آن‌ها استفاده شود. تئوری تصمیم و این شواهد نشان می‌دهند که شرکت‌هایی که کیفیت محیط اطلاعات داخلی آن‌ها بالاتر است، ممکن است بهتر قادر به شناخت و اجرای استراتژی‌های کاهش مالیات باشند.

طبق شواهد به‌دست‌آمده سودمندی کیفیت اطلاعات در شرکت‌هایی که در محیط‌های با عدم قطعیت بیشتری فعالیت می‌کنند، بیشتر است. در این شرکت‌ها، کیفیت اطلاعات داخلی می‌تواند به شناخت فرصت‌های مالیاتی کمک کند و عدم قطعیت نتایج حاصل از استراتژی‌های مالیاتی را

کاهش دهد (چنهال^۹ و موریس^{۱۰}، ۱۹۸۶: ۱۸). گالبریت^{۱۱} (۱۹۷۴: ۲۹)، نشان می‌دهد که در صورت عدم قطعیت بالاتر، اطلاعات بیشتری توسط تصمیم‌گیرندگان باید پردازش شود. و با سرمایه‌گذاری در سیستم‌های اطلاعاتی داخل شرکت می‌توان ظرفیت پردازش اطلاعات را افزایش داد. هم‌چنین انتظار می‌رود شرکت‌هایی که محیط اطلاعات داخلی آن‌ها با کیفیت‌تر است، بدون اینکه ریسک بالاتری را متحمل شوند، بتوانند روش‌های اجتناب از مالیات را اجرا کنند. زیرا کیفیت بالاتر محیط اطلاعات داخلی شرکت به برنامه‌ریزی‌های مالیاتی مستحکم‌تر و بلندمدت‌تر کمک می‌کند (میلز و همکاران، ۱۹۹۸: ۲).

دیدگاه دیگری که در مورد اجتناب از مالیات وجود دارد، یعنی مسئله نمایندگی، به این نکته اشاره دارد که به‌منظور بالا بردن سطح اجتناب از مالیات، شرکت‌ها از پنهان کردن اطلاعات خود بهره می‌برند با این فرض که اطلاعات را از مقامات مالیاتی مخفی نگه‌دارند (کوییک و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۴: ۳۷). مسئله نمایندگی، مفاهیم اجتناب از پرداخت مالیات را تایید می‌کند و نشان می‌دهد که اجتناب از پرداخت مالیات همیشه ممکن نیست که ثروت سهامداران بیرونی را افزایش دهد و ممکن است در انحراف منافع به سمت خود مدیران نقش داشته باشد که دامنه آن از دستکاری و سرقت سود شرکت تا پاداش بیش از اندازه مدیران در شکلهای مختلف متغیر است (خدامی‌پور، امینی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۳۸). استراتژی‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن اطلاعات است که اینکار با هدف کاهش میزان مالیات از طریق پنهان کردن حقایق از میزان مالیاتی صورت می‌پذیرد، در نتیجه اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه می‌دهد منافع را از شرکت خارج کنند (دسای^{۱۳} و دارمالا^{۱۴}، ۲۰۰۵: ۵۳۹). بنابراین مخفی نگه داشتن اطلاعات به منظور افزایش اجتناب مالیاتی، باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی شده و فرصت استفاده شخصی از منابع شرکت را برای مدیران منفعت طلب فراهم می‌کند. افشا به‌عنوان مکانیزمی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌تواند باعث کاهش سطح اجتناب از مالیات شود (رایبسن و اسمیت، ۲۰۱۳: ۸۷). با افزایش کیفیت افشا، از ابهام محیط شرکت کاسته می‌شود و بنابراین اجتناب از مالیات کاهش می‌یابد.

در مورد کیفیت اطلاعات داخلی چه در پژوهش‌های داخلی و چه در پژوهش‌های خارجی به طور مستقیم پژوهشی صورت نگرفته است. اما پژوهش‌هایی غیر مستقیم به نقش اطلاعات و تصمیم‌گیری‌های مدیریت پرداخته‌اند که به شرح زیر است.

هود^{۱۵}، کندی^{۱۶} و ماینز^{۱۷} (۲۰۰۴)، به این موضوع پرداختند که آیا استفاده از تکنولوژی‌های تسهیل‌کننده جستجوی اطلاعات باعث بهبود شفافیت گزارشگری مالی می‌شود یا خیر. نتایج نشان داد که با استفاده از این تکنولوژی، شفافیت اطلاعات مالی افزایش می‌یابد و تصمیم‌گیری

بهبود می‌یابد. بنابراین این ابزارها می‌توانند با افزایش شفافیت اطلاعات داخلی شرکت، به مدیران در تصمیم‌گیری‌هایشان کمک کنند.

در بین پژوهشگران داخلی، بهرام‌فر و رسولی (۱۳۷۷)، در مطالعه‌ی خود به بررسی ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مدیریت و نقش آن در تصمیم‌گیری مدیریت پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که اگر اطلاعات حسابداری دارای کیفیت لازم باشند، مدیران در تصمیمات خود از آنها استفاده می‌کنند و بهترین راه‌حل را انتخاب خواهند کرد.

در راستای پیشینه مرتبط با اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا، کوییک و همکاران (۲۰۱۴)، به بررسی رفتارهای اجتناب مالیاتی قبل از انتشار اخطار مرتبط با مالیات (مربوط به کیفیت افشای ضعیف) کمسیون بورس اوراق بهادار می‌پردازند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت افشا، دریافت اخطار و یا عدم دریافت آن مورد توجه قرار گرفته است، به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که اخطار دریافت نکرده بودند، به‌عنوان شرکت‌های با کیفیت افشای بالا در نظر گرفته شدند. به‌منظور اندازه‌گیری اجتناب مالیات از شاخص‌های مختلفی شامل نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی، نرخ موثر هزینه مالیات و تفاوت مالیاتی استفاده شده است. پژوهشگران با بررسی ۱۶۰۶۱ مشاهده سال-شرکت در بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۱، دریافتند که با افزایش کیفیت افشا، هزینه اجتناب از مالیات بالاتر و اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد.

دسای و دپارمالا (۲۰۰۵)، به تجزیه و تحلیل رابطه بین اجتناب مالیاتی و رشد مشوق‌های بسیار قوی برای مدیران پرداخته‌اند. آن‌ها برای اندازه‌گیری رفتار اجتنابی و پوششی مالیات از تفاوت مالیات ابرازی به مقامات مالی و مالیات در دفاتر مالی شرکت استفاده کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که افزایش در پاداش‌های انگیزشی، باعث کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود.

چن و همکاران (۲۰۱۴)، به بررسی رابطه اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت برای بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس کشور چین پرداختند. در پژوهش آن‌ها از شاخص Q توبین برای ارزش شرکت به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. شاخص اجتناب مالیاتی با نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی اندازه‌گیری شده است. آن‌ها دریافتند که رفتار اجتناب از مالیات با افزایش هزینه‌های نمایندگی، ارزش شرکت را کاهش می‌دهد.

پورحیدری، فدوی و امینی‌نیا (۱۳۹۳)، به بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن‌ها به‌منظور اندازه‌گیری و سنجش اجتناب از پرداخت مالیات و شفافیت گزارشگری مالی به ترتیب از شاخص‌های نرخ موثر هزینه مالیات و کیفیت اقلام تعهدی استفاده کردند و با بررسی اطلاعات ۷۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۸۰ تا ۸۹ و

آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی، به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیات، شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهند. به عبارت دیگر، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تاثیر منفی دارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود. نتیجه این تحقیق موید نظریه هزینه نمایندگی ناشی از اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بود.

خدای پور و امینی (۱۳۹۲)، ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار دادند. محققان، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات را به عنوان نماینده سنجش فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات در نظر گرفته اند. برای آزمون فرضیه‌ها از حداقل مربعات تعمیم یافته برای داده‌های پانل استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی وجود دارد. این رابطه منفی نشان می‌دهد که اثر مناسب مالیاتی ناشی از اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند به عنوان بدهی برای شرکت به کار رود، از این رو اجتناب از پرداخت مالیاتی می‌تواند به عنوان جانشین استفاده از بدهی باشد و برای شرکت ارزش آفرین باشد.

خواجوی، ممتازیان و دهقانی سعدی (۱۳۹۵)، به بررسی اثرگذاری قابلیت مدیران بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها در ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ پرداختند. براساس یافته‌های آنان، بین قابلیت مدیران و اجتناب مالیاتی رابطه منفی معناداری وجود دارد. به عبارتی مدیران با قابلیت بالا، به جای اجتناب از پرداخت مالیات، بیشتر به سمت و سوی سرمایه‌گذاری بلندمدت و فعالیت‌های مولد آتی حرکت می‌کنند.

فرضیه‌ها

در ادبیات حسابداری مدیریت، این نکته که کیفیت اطلاعات داخلی شرکت منجر به تصمیمات مدیریتی بهتری می‌شود، ذکر شده است. کیفیت اطلاعات داخلی بالاتر با تهیه اطلاعات به موقع‌تری در مورد شرایط مالی شرکت و حذف موانع بین چرخه‌های حسابداری، تصمیم‌گیری مدیر را بهبود می‌بخشد (بریزل و دنگ، ۲۰۰۸: ۴). به طور کلی، براساس تئوری تصمیم، کیفیت اطلاعات داخلی بالاتر اثر مثبتی بر تصمیمات مدیریتی دارد، اما تمرکز این پژوهش بر توانایی آن در افزایش کیفیت تصمیمات مربوط به مالیات می‌باشد. استدلال پژوهش حاضر این است که توانایی شرکت برای اجتناب از مالیات با افزایش کیفیت اطلاعات داخلی، افزایش می‌یابد. زیرا در چنین محیطی، تحصیل اطلاعات آسان‌تر و یکپارچگی آن‌ها بیشتر می‌باشد.

شرکتی که محیط اطلاعات داخلی آن کیفیت بالاتری دارد، ممکن است برای برخورد موثرتر با فرآیندهای مالیاتی در وضعیت بهتری قرار داشته باشد و معاملاتی که مزایای مالیاتی بیشتری

دارند را آسان‌تر شناسایی کند. بنابراین شرکت با محیط اطلاعات داخلی باکیفیت‌تر ممکن است قادر به اجتناب از مالیات بالاتری باشد:

فرضیه اول: محیط اطلاعات داخلی باکیفیت‌تر با اجتناب مالیاتی بیشتر همراه است. عدم قطعیت در شرکت‌ها، توانایی مدیران برای تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد و می‌تواند از توانایی برنامه‌ریزی‌های مالیاتی شرکت بکاهد. زیرا باعث ابهام در فرصت‌های مالیاتی می‌گردد و تردید در مورد نتایج حاصل از استراتژی‌های اجتناب از مالیات را افزایش می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که کیفیت اطلاعات می‌تواند نقش مهم‌تری در اجتناب از مالیات شرکت‌هایی که عدم قطعیت بیشتری دارند، بازی کند:

فرضیه دوم: اثر مثبت کیفیت اطلاعات داخلی بر اجتناب مالیاتی، برای شرکت‌هایی با عدم قطعیت بالاتر، بیشتر است.

انتظار می‌رود که شرکت‌هایی که کیفیت محیط اطلاعات داخلی بالاتری دارند، اعتماد بیشتری به اطلاعات خود داشته باشند. این موضوع هم بر سطح اجتناب از مالیات و هم بر ریسکی که در مورد استراتژی‌های اجتناب از مالیات وجود دارد، اثرگذار است (چنهال و موریس، ۱۹۸۶: ۱۸). بنابراین پیش‌بینی می‌شود که شرکت‌هایی با کیفیت اطلاعات داخلی بالاتر قادر به اجتناب از مالیات بیشتری باشند، درحالی که سطح کمی از ریسک را نیز می‌پذیرند:

فرضیه سوم: محیط اطلاعات داخلی بالاتر با ریسک مالیاتی کمتری همراه است.

مخفی نگه‌داشتن اطلاعات به منظور افزایش اجتناب مالیاتی، باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی شده و فرصت استفاده شخصی از منابع شرکت را برای مدیران منفعت طلب فراهم می‌کند. افشا به‌عنوان مکانیزمی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌تواند باعث کاهش سطح اجتناب از مالیات شود (رابینسن و اسمیت، ۲۰۱۳: ۸۷).

بنابراین به نظر می‌رسد که با افزایش کیفیت افشا و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، اجتناب مالیاتی کاهش یابد:

فرضیه چهارم: هرچه کیفیت افشای شرکت‌ها بالاتر باشد، اجتناب از مالیات کمتر خواهد بود.

۳- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها، رگرسیون خطی چندمتغیره می‌باشد. مدل‌های رگرسیونی این تحقیق، مدل رگرسیونی حداقل مربعات می‌باشند. در این پژوهش جهت بررسی پایایی متغیرها از آزمون لوین-لین-چو استفاده شده است. منظور از پایایی این است که تحت شرایط مشابه در زمان و مکان دیگر، استفاده از یک ابزار اندازه‌گیری برای سنجش متغیر و یا صفتی، نتایج مشابهی دربرداشته باشد. در این آزمون‌ها در صورتی که مقدار احتمال معناداری

کمتر از ۵٪ باشد، با اطمینان ۹۵٪ متغیر موردنظر پایاست (نمازی، غفاری، فریدونی، ۱۳۹۱: ۱۶۵). به منظور تعیین این موضوع که برازش مدل بهتر است تابلویی (پنل) باشد یا تلفیقی (پولد)، از آزمونی به نام لیمر (چاو) استفاده می‌گردد. این آزمون براساس آماره F صورت می‌گیرد. زمانی که معناداری آماره آزمون کمتر از ۰,۰۵ باشد، استفاده از مدل مبتنی بر پنلی مناسب‌تر است. در صورتی که مدل مبتنی بر پنلی انتخاب گردد، بایستی از آزمون هاسمن برای بررسی این موضوع که آیا عرض از مبدا به صورت اثرات ثابت است یا اثرات تصادفی، استفاده شود. آزمون هاسمن، براساس آماره کای-دو انجام می‌گیرد. زمانی که معناداری آزمون کمتر از ۰,۰۵ باشد می‌توان نتیجه گرفت که داده‌های پنلی اثرات ثابت مناسب‌تر است و در غیر این صورت باید از روش اثرات تصادفی استفاده شود (افلاطونی، ۱۳۹۴: ۲۲۶-۲۲۷).

جامعه و نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نمونه آماری این پژوهش با تعدیل جامعه آماری و از طریق اعمال محدودیت‌هایی انتخاب می‌گردد. به عبارت دیگر، نمونه انتخابی در این پژوهش، شرکت‌هایی می‌باشند که شرایط زیر را دارا باشند:

۱. شرکت‌هایی انتخاب می‌شوند که سال مالی‌شان منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 ۲. تحقیق برای شرکت‌های غیر مالی انجام می‌شود، به دلیل ماهیت متفاوت صورت‌های مالی موسسات مالی و بانک‌ها، بانک‌ها و موسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها و لیزینگ‌ها) از نمونه حذف می‌شوند.
 ۳. اطلاعات مورد نیاز تحقیق این شرکت‌ها در بازه‌ی زمانی تحقیق قابل دسترسی باشد.
- پس از اعمال این محدودیت‌ها در نهایت نمونه شامل ۱۶۹ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۲ است.

به منظور آزمون فرضیه‌ها، از مدل‌های شماره ۱ تا ۴ استفاده می‌شود.

به منظور آزمون فرضیه اول، مدل ۱ ارائه می‌شود:

مدل ۱.

$$CashETR_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 IIQ_{it} + \alpha_2 Size_{it} + \alpha_3 PPE_{it} + \alpha_4 \Delta PPE_{it} + \alpha_5 Lev_{it} + \alpha_6 ROA_{it} + \alpha_7 S Growth_{it} + \alpha_8 Volatility_{it} + \alpha_9 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

CashETR (نرخ موثر مالیاتی پرداختی) = مالیات پرداختی / سود قبل از مالیات

IIQ_{it} (کیفیت اطلاعات داخلی شرکت) که با سه شاخص سنجیده می‌شود:

Earnings Announcement Speed (سرعت اعلامیه سود): تعداد روزهایی که بین پایان سال

مالی و تاریخ اعلامیه سود وجود دارد، تقسیم بر ۳۵۶ روز و ضرب در ۱-

Management Forecast Accuracy (صحت پیش بینی سود): تفاوت EPS تخمینی مدیر و EPS واقعی، تقسیم بر قیمت سهام در پایان سال و ضرب در ۱ - No Error Restatement (عدم تجدید ارائه به خاطر اشتباه): در صورتی که شرکت، صورت‌های مالی سال جاری را به خاطر اشتباهات غیر عمدی تجدید ارائه کند، ۰ و در غیر این صورت ۱ است.

Size_{i,t} (اندازه شرکت): لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام؛ PPE_{i,t} (معیار تجهیزات): متوسط تجهیزات تقسیم بر کل دارایی‌ها؛ $\Delta PPE_{i,t}$ (معیار تجهیزات): تفاوت تجهیزات در سال t و t-1 تقسیم بر کل دارایی‌ها؛ Lev_{i,t} (اهرم): نسبت بدهی‌های استقرای بلندمدت به کل دارایی‌ها؛ ROA_{i,t} (بازده دارایی): سود عملیاتی قبل از استهلاک تقسیم بر کل دارایی‌ها؛ SGrowth_{i,t} (رشد فروش): تفاوت فروش سال t و سال t-1 تقسیم بر فروش در سال t-1؛ Volatility_{i,t} (نوسان): فاکتوری از دو متغیر: تغییرات مطلق در فروش تقسیم بر جمع دارایی‌ها، تغییرات در سرمایه از سال t-1 تا t. این دو متغیر با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی با رگرسی شده و فاکتور نوسان محاسبه می‌گردد؛ Age_{i,t} (سن): لگاریتم تعداد سال‌ها؛ از سال ورود شرکت به بورس تا سال محاسبه.

در فرضیه دوم، عدم قطعیت به عنوان عاملی که اثر کیفیت اطلاعات داخلی شرکت بر اجتناب مالیاتی را کم یا زیاد می‌کند، متغیر تعدیل کننده در نظر گرفته می‌شود.
مدل ۲.

$$CashETR_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 IIQ_{i,t} + \alpha_2 High\ Volatility_{i,t} + \alpha_3 (IIQ_{i,t} High\ Volatility_{i,t}) + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 PPE_{i,t} + \alpha_6 \Delta PPE_{i,t} + \alpha_7 Lev_{i,t} + \alpha_8 ROA_{i,t} + \alpha_9 SGrowth_{i,t} + \alpha_{10} Volatility_{i,t} + \alpha_{11} Age_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

CashETR_{i,t} (نرخ موثر مالیاتی پرداختی)، IIQ_{i,t} (کیفیت اطلاعات داخلی شرکت) است که با

سه شاخص EAS، MFA و NER آزمون می‌گردد و متغیرهای کنترلی مشابه مدل ۱ است.

High Volatility_{i,t}: متغیر مجازی که ارزش یک می‌گیرد اگر میزان نوسان برای شرکت آم در پایان سال t از میانگین نوسان کل شرکت‌ها بیشتر باشد و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد. نوسان فاکتوری از دو متغیر شامل تغییرات مطلق در فروش تقسیم بر جمع دارایی‌ها و تغییرات در سرمایه از سال t-1 تا t می‌باشد که این دو متغیر با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی با رگرسی شده و فاکتور نوسان محاسبه می‌گردد.

در تحلیل عاملی اکتشافی پیش از انجام تحلیل، شایستگی داده‌ها توسط دو آزمون KMO و بارتلت بررسی می‌شود که در مورد نوسان، نتایج آن در نگاره ۱ ارائه شده است.

نگاره ۱: نتایج آزمون‌های KMO و بارتلت

متغیر	Volatility
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	۰/۵
Bartlett's Test of Sphericity	۱/۲۳۴

درجه آزادی	۱
احتمال معنی داری	۰/۰۰

مطابق با نتایج، استفاده از دو متغیر نسبت تغییرات فروش به جمع دارایی‌ها و تغییرات در سرمایه از سال $t-1$ تا t جهت اندازه‌گیری متغیر Volatility برای تحلیل عاملی مناسب است. در نهایت متغیر نوسان سرمایه (Volatility) به صورت ترکیب خطی از ضرایب مؤلفه اصلی استخراج شده در نگاره ۲ به دست می‌آید.

نگاره ۲: ضرایب مؤلفه اصلی استخراج شده

Volatility	
مؤلفه اول	متغیرها
۰/۷۱۸	نسبت تغییرات فروش به جمع دارایی‌ها (S.TA)
۰/۷۱۸	تغییرات در سرمایه از سال $t-1$ تا t (ΔCap)

در نگاره ۲، ضرایب مؤلفه اصلی به تفکیک برای شاخص‌های معرف موقعیت‌های استراتژیک ارایه گردیده که بر اساس این ضرایب، معادله‌ی شاخص نوسان به صورت زیر به دست می‌آید:

$$Volatility = 0/718.TA + 0/718.\Delta CAP$$

در فرضیه سوم، رابطه کیفیت اطلاعات داخلی با ریسک مالیاتی با استفاده از مدل ۳ بررسی می‌گردد:

مدل ۳.

$$CashETRVol_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 IIQ_{i,t} + \alpha_2 Size_{i,t} + \alpha_3 PPE_{i,t} + \alpha_4 \Delta PPE_{i,t} + \alpha_5 Lev_{i,t} + \alpha_6 ROA_{i,t} + \alpha_7 SGrowth_{i,t} + \alpha_8 Volatility_{i,t} + \alpha_9 Age_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

$CashETRVol_{i,t}$: انحراف معیار نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی طی ۵ سال منتهی به سال t
 $IIQ_{i,t}$: متغیر مستقل، کیفیت اطلاعات داخلی است که با سه شاخص EAS، MFA و NER
 آزمون می‌گردد. اما محاسبه آن‌ها به این شکل است که میانگین ۵ ساله آن‌ها در نظر گرفته می‌شود.
 متغیرهای کنترلی مشابه مدل ۱ است.

در فرضیه چهارم، متغیر مستقل، کیفیت افشا است و با استفاده از مدل ۴ آزمون می‌گردد:
 مدل ۴.

$$CashETR_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 DC_{i,t} + \alpha_2 Size_{i,t} + \alpha_3 PPE_{i,t} + \alpha_4 \Delta PPE_{i,t} + \alpha_5 Lev_{i,t} + \alpha_6 ROA_{i,t} + \alpha_7 SGrowth_{i,t} + \alpha_8 Volatility_{i,t} + \alpha_9 Age_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

$CashETR_{i,t}$ (نرخ موثر مالیاتی پرداختی) = مالیات پرداختی / سود قبل از مالیات
 $DC_{i,t}$ (کیفیت افشا): همچون پژوهش جانز^{۱۸}، اورنر^{۱۹} و باثرت^{۲۰} (۲۰۰۵)، در صورتی که امتیاز کیفیت افشا بالاتر از میانگین نمونه باشد، شاخص کیفیت افشا (DC)، ۱ و در غیر این صورت ۰ است.

متغیرهای کنترلی مشابه مدل ۱ است.

۴- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

عدم تجدید ارائه، نوسان بالا و کیفیت افشا به‌عنوان متغیرهای دامی بدین شرح می‌باشند که در مورد عدم تجدیدارائه، از بین ۹۶۷ سال-شرکت مورد بررسی، ۸۹۳ مورد صورتهای خود را تجدید ارائه کرده بودند، بنابراین ارزش صفر گرفتند. از بین ۹۶۷ سال-شرکت مورد بررسی، ۶۷۰ مورد نوسان پایین‌تر از میانگین دارند و ارزش صفر می‌گیرند و بقیه نوسان بالاتر از میانگین دارند و از بین ۹۶۷ سال-شرکت مورد بررسی، ۴۴۲ مورد ارزش صفر گرفتند، زیرا امتیاز کیفیت افشای آن‌ها پایین‌تر از میانگین نمونه بود.

مطابق با نتایج نگاره ۳، بطور متوسط در شرکت‌های نمونه، مالیات نقد پرداختی ۱۲ درصد سود قبل از مالیات شرکت می‌باشد. به عبارت دیگر بطور متوسط تنها ۱۲ درصد از سود شرکت مشمول پرداخت مالیات شده است. میانگین اهرم مالی با مقدار ۳۹ درصد نشان می‌دهد که بطور متوسط در شرکتهای نمونه ۳۹ درصد از دارایی‌ها از محل استقراض‌های بلندمدت تأمین شده است. البته توجه به بزرگترین مشاهده در این متغیر نشان می‌دهد که حداقل برای یکی از شرکت-سالها، ۴۶ درصد از دارایی‌های شرکت از محل بدهی‌های بلندمدت حاصل شده است. متوسط رشد فروش شرکت‌های نمونه با مقدار ۰,۲۲ نشان می‌دهد بطور متوسط فروش هر شرکت ۲۲ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته است.

نگاره ۳: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد	میانگین	چولگی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
وابسته	۹۶۷	۰/۱۲	-۲۰/۳۹	۵۵۲/۹۰	۰/۰۰	۷/۶۲
مستقل	۹۶۷	۰/۲۶	۱/۲۴	۸/۸۲	۰/۰۸	۰/۹۷
مستقل	۹۶۷	۰/۴۲	۲۷/۲۲	۸۰۵/۱۷	۰/۰۷	۶۴/۰۹
مستقل	۹۶۷	۱۱/۶۶	۰/۷۷	۱/۰۴	۱۰/۰۴	۱۴/۱۹
وابسته	۹۶۷	۰/۳۹۳	۲۱/۴۸۲	۵۵۸/۱۳	۰/۰۰۰	۰/۴۶۴۹
وابسته	۹۶۷	۰/۱۱	۰/۷۳	۱/۹۲	-۳۴/۰۰	۶۲/۶۸
مستقل	۹۶۷	۰/۲۷	۱۶/۷۱	۴۰۱/۷۵	۰/۰۱۱	۰/۸۷

۰/۸۱	-۰/۴۴	۲۴/۸۸	۳/۱۱	۰/۰۲	۹۶۷	تغییرات تجهیزات	Δ PPE
۱/۶۶	۰/۴۸	-۰/۲۶	۰/۰۳	۱/۱۴	۹۶۷	عمر شرکت	Age
۷/۹۱	-۱/۰۰	۱۱۹/۳۴	۶/۹۰	۰/۲۲	۹۶۷	رشد فروش	SGrowth
۱۷/۲۴	۰/۰۱۰	۱۴۰/۲۵	۱۰/۹۴	۰/۳۴	۹۶۷	ریسک مالیات	CashETRVO L
۶/۶۷	-۲۹/۶۲	۵۶۷/۴۶	-۲۰/۱۷	۰/۲۰	۹۶۷	نوسان	Volatility

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

بررسی پایایی متغیرها با استفاده از آزمون لوین- لین-چو، نشان می‌دهد که مقدار احتمال معناداری کلیه متغیرها کمتر از ۵٪ است و با اطمینان ۹۵٪ همه متغیرهای الگوهای رگرسیونی در سطح پایا هستند و بنابراین موجب کاذب بودن ضرایب الگوی رگرسیون نمی‌شوند. قبل از تخمین الگوهای فوق برای انتخاب بین روش داده‌های تابلویی (پنل) یا تلفیقی (پولد) از آزمون F لیمر (چاو) استفاده شد. پذیرش فرض صفر به معنای چیدن داده‌ها به روش تلفیقی و رد آن چیدمان داده‌ها به روش تابلویی است. نتایج آزمون لیمر (چاو) نشان داد که احتمال معناداری متغیرها بیشتر از ۵٪ (بین ۱۰٪ تا ۱۴٪) است و در سطح ۵ درصد آزمون F لیمر معنادار نمی‌باشد. بنابراین برای آزمون فرضیه‌ها روش داده‌های تلفیقی بر روش داده‌های پنل ارجحیت دارد.

در این تحقیق به منظور بررسی رابطه میان کیفیت محیط‌های اطلاعاتی و اجتناب و ریسک مالیاتی، ۴ فرضیه جداگانه تبیین گردیده، و برای آزمون این فرضیات از مدل‌های رگرسیونی جداگانه استفاده گردید.

نتایج آزمون فرضیه اول به شرح نگاره ۴ می‌باشد. با توجه به نگاره ۴، با توجه به این که مقدار احتمال آماره F-فیشر با مقدار صفر در هر سه الگو از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد لذا با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن الگوی تحقیق تأیید می‌شود. آماره دورین-واتسون بین ۱/۵-۲/۵ است. بنابراین فرض عدم خودهمبستگی بین جملات باقیمانده برقرار است. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که در ساختار اول ۰/۲، در ساختار دوم ۰/۲ و در ساختار سوم ۰/۴ درصد از تغییرات اجتناب مالیاتی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی الگو توضیح داده می‌شود. مثبت بودن ضرایب در الگوی دوم و سوم به ترتیب با مقادیر ۰/۰۰۸ و ۰/۲۱۳ نشان می‌دهد که افزایش در کیفیت اطلاعات داخلی، منجر به افزایش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها شده است. و لذا مطابق یافته‌های تحقیق دلیلی برای رد فرضیه اول تحقیق مبنی بر وجود اجتناب مالیاتی بیشتر در شرکت‌های با کیفیت بالای اطلاعات وجود ندارد. با این حال نتیجه‌ی الگوی اول که از سرعت اعلامیه‌ی سود

به عنوان شاخص کیفیت اطلاعات داخلی استفاده می کند، نشان می دهد که با افزایش کیفیت اطلاعات داخلی شرکت ها به صورت معناداری اجتناب مالیاتی کاهش می یابد ($C=-0/214$).

نگاره ۴: نتایج آزمون فرضیه ۱

سرعت اعلامیه سود		صحت پیش بینی مدیر		عدم تجدید ارائه	
متغیرها	ضریب	آماره t	احتمال	ضریب	آماره t
عرض از مبدا	-۰/۲۵۶	-۳/۸۷۷	۰/۰۰۰	-۰/۳۲۹	-۵/۰۳۹
کیفیت اطلاعات داخلی	-۰/۲۱۴	-۴/۶۸۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۴/۶۶۰
اندازه	۰/۰۱۵	۲/۶۵۴	۰/۰۰۸	۰/۰۱۶	۲/۷۹۲
تجهیزات	-۰/۱۲۹	۸/۲۳۳	۰/۰۰۰	۰/۱۳۷	۸/۸۶۴
رشد تجهیزات	-۰/۱۹۹	-۴/۰۸۳	۰/۰۰۰	-۰/۲۱۴	-۴/۴۱۳
اهرم	۰/۰۰۴	۱/۷۴۹	۰/۰۸۰	۰/۰۰۳	۱/۶۴۴
بازده دارایی	۰/۰۰۱	۴/۰۶۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۵/۶۰۵
رشد فروش	-۰/۱۱۹	-۱۳/۲۹۱	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۹	-۱۳/۳۱۶
نوسان	۰/۰۲۰	۴/۲۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۲۲	۴/۸۳۴
سن	۰/۲۰۶	۱۳/۳۱۹	۰/۰۰۰	۰/۲۰۳	۱۳/۲۱۲
ضریب تعیین تعدیلی	۰/۰۰۲۷			۰/۰۰۲۶	
F فیشر	۴۹/۰۴۷			۴۹/۰۲۷	
احتمال F فیشر	۰/۰۰			۰/۰۰	
آماره دوربین-واتسون	۲/۰۲۴			۲/۰۲۳	
				۲/۰۲۵	

نتایج آزمون فرضیه دوم در نگاره ۵ ارائه شده است.

آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵-۲/۵ است. بنابراین فرض عدم خودهمبستگی بین جملات باقیمانده برقرار است. ضریب تعیین مدل، گویای آن است که در ساختار اول ۰/۸، در ساختار دوم ۰/۸ و در ساختار سوم بیش از ۰/۹ درصد از تغییرات اجتناب مالیاتی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی الگو توضیح داده می شود. توجه به احتمال معناداری متغیر کیفیت اطلاعات در شرکت هایی با عدم قطعیت بالا (IIQ*HighV) با مقدار صفر نشان می دهد که کیفیت اطلاعات در شرکت هایی با عدم قطعیت بالا، بر روی اجتناب مالیاتی اثر معنادار دارد، لیکن این اثر تنها در شاخص دوم کیفیت اطلاعات با نام صحت پیش بینی سود رابطه مثبت می باشد و بیان می کند که کیفیت اطلاعات اثر مثبتی بر اجتناب مالیاتی برای شرکت هایی با عدم قطعیت بالا دارد.

نگاره ۵: نتایج آزمون فرضیه ۲

سرعت اعلامیه سود		صحت پیش بینی مدیر		عدم تجدید ارائه	
متغیرها	ضریب	آماره t	احتمال	ضریب	آماره t
عرض از مبدا	-۰/۵۰۹	-۷/۶۲۳	۰/۰۰۰	-۰/۵۲۷	-۸/۰۳۱
کیفیت اطلاعات داخلی	۰/۲۹۹	۵/۴۸۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۲/۹۱۸

کیفیت اطلاعات داخلی، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها/۱۱۵

نوسان بالا	۰/۱۲۴	۴/۸۴۱	۰/۰۰۰	-۰/۳۲۲	-۳۱/۳۵۱	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۷	-۲۴/۶۶۴	۰/۰۰۰
IIQ*HighV	-۱/۴۳۰	-۱۵/۱۸۱	۰/۰۰۰	۰/۳۵۸	۱۵/۷۹۳	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۵	-۱۱/۷۰۲	۰/۰۰۰
اندازه	۰/۰۲۵	۴/۴۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۳۳	۵/۸۴۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۸۹۵	۰/۳۷۱
تجهیزات	۰/۲۲۸	۱۴/۳۹۳	۰/۰۰۰	۰/۲۳۰	۱۴/۶۲۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۴	۱۶/۰۷۰	۰/۰۰۰
رشد تجهیزات	-۰/۱۳۸	-۲/۸۳۲	۰/۰۰۵	-۰/۱۳۸	-۲/۸۳۶	۰/۰۰۵	-۰/۲۱۷	-۴/۴۶۰	۰/۰۰۰
اهرم	۰/۰۰۱	۰/۶۷۳	۰/۵۰۱	۰/۰۰۲	۱/۰۱۲	۰/۳۱۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۷۶	۰/۹۴۰
بازده دارایی	۰/۰۰۲	۵/۴۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۶/۹۶۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۷/۴۱۶	۰/۰۰۰
رشد فروش	-۰/۰۴۲	-۴/۵۱۵	۰/۰۰۰	-۰/۰۳۷	-۳/۹۹۰	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۲	-۴/۴۴۹	۰/۰۰۰
نوسان	۰/۰۶۸	۱۳/۹۸۹	۰/۰۰۰	۰/۰۶۸	۱۴/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۶۸	۱۴/۰۶۳	۰/۰۰۰
سن	۰/۲۲۲	۱۴/۳۹۶	۰/۰۰۰	۰/۲۱۷	۱۴/۱۲۱	۰/۰۰۰	۰/۱۸۴	۱۱/۹۳۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۰۰۸۵			۰/۰۰۸۶			۰/۰۰۹۸		
تعدیلی									
Fفیشر	۱۲۷/۶۰۸			۱۲۹/۷۱۰			۱۴۷/۴۳۲		
احتمال F فیشر	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		
آماره دوربین-	۲/۰۲			۲/۰۱			۲/۰۲		
واتسون									

نتایج حاصل از تخمین الگو به روش حداقل مربعات معمولی که در نگاره ۶ ارائه شده است، نشان می‌دهد که احتمال معناداری ضرایب متغیر مستقل (IIQ) در هر سه الگو برابر صفر بوده و لذا رابطه معناداری بین کیفیت اطلاعات داخلی و ریسک مالیاتی وجود دارد. لیکن ضریب متغیر کیفیت اطلاعات در هر سه الگو بزرگتر از صفر بوده و این امر نشان می‌دهد که افزایش در کیفیت اطلاعات منجر به افزایش ریسک مالیاتی شده است.

نگاره ۶: نتایج آزمون فرضیه ۳

متغیرها	سرعت اعلامیه سود		صحت پیش‌بینی سود		عدم تجدید ارائه	
	ضریب	آماره t	احتمال	ضریب	آماره t	احتمال
عرض از مبدا	-۱/۲۸۲	-۶/۹۶۵	۰/۰۰۰	-۱/۴۰۷	-۷/۶۲۷	۰/۰۰۰
میانگین کیفیت اطلاعات داخلی	۰/۰۴۸	۳/۵۹۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۸/۳۱۷	۰/۰۰۰
اندازه	۰/۰۵۴	۱۳/۴۳۴	۰/۰۰۰	۰/۰۵۶	۱۴/۰۰۰	۰/۰۰۰
تجهیزات	-۰/۰۴۰	-۱۰/۰۵۰	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۱	-۱۰/۱۶۵	۰/۰۰۰
رشد	-۰/۱۳۲	-۱۳/۶۲۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۳۲	-۱۳/۶۲۰	۰/۰۰۰
تجهیزات						
اهرم	۰/۰۰۲	۴/۱۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۴/۰۹۲	۰/۰۰۰

بازده	۰/۰۰۳	-۲۹/۰۶۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۳	-۲۹/۱۳۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۳	-۲۸/۴۰۰	۰/۰۰۰
دارایی	۰/۰۱۰	-۶/۱۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۰	-۶/۱۲۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۷	-۴/۵۹۰	۰/۰۰۰
رشد	۰/۰۱۴	-۱۲/۹۷۸	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۴	-۱۳/۲۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۶	-۱۴/۷۲۱	۰/۰۰۰
فروش	۰/۷۱۸	۱۲/۲۹۸	۰/۰۰۰	۰/۷۶۱	۱۲/۹۸۲	۰/۰۰۰	۰/۸۱۸	۱۳/۸۰۵	۰/۰۰۰
نوسان	۰/۹۷۸	۱۲۶۵/۳۵۲	۰/۰۰۰	۰/۹۷۸	۱۲۶۶/۴۴۷	۰/۰۰۰	۰/۹۷۷	۱۲۶۶/۲۲۸	۰/۰۰۰
سن									
تاخیر زمانی									
مرتبیه اول									
ضریب	۰/۹۲۴		۰/۹۲۳				۰/۹۲۳		
تعیین									
تعدیلی									
F فیش	۱۶۰/۵۴۹		۱۶۰/۶۲۲				۱۶۱/۰۰۱		
احتمال F	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰				۰/۰۰۰		
فیش									
آماره	۲/۴۷		۲/۳۱				۲/۲۵		
دوربین -									
واتسون									

نتایج آزمون فرضیه چهارم در نگاره ۷ ارائه شده است:

توجه به احتمال متغیر افشا (DQ) با مقدار صفر نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار بین کیفیت افشا و اجتناب از مالیات وجود دارد. از طرفی ضریب این متغیر با مقدار ۰/۱۰۴- نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش در امتیازات افشا، اجتناب مالیاتی به میزان حدود ۱۰٪ کاهش می‌یابد. لذا طبق یافته‌های تحقیق دلیلی برای رد فرضیه چهارم وجود ندارد.

نگاره ۷. نتایج آزمون فرضیه ۴

متغیرها	ضریب	آماره t	احتمال	شاخص واریانس	تورم
عرض از مبدا	-۰/۳۴۹	-۵/۳۵۳	۰/۰۰۰	-	
کیفیت افشا	-۰/۱۰۴	-۱۳/۸۲۰	۰/۰۰۰	۱/۱۲۳	
اندازه	۰/۰۱۶	۲/۸۳۳	۰/۰۰۵	۱/۲۴۱	
تجهیزات	۰/۱۲۵	۸/۰۷۶	۰/۰۰۰	۲/۱۸۲	
رشد تجهیزات	-۰/۲۰۷	-۴/۲۶۸	۰/۰۰۰	۱/۲۲۰	
اهرم	۰/۰۰۵	۲/۲۶۵	۰/۰۲۴	۱/۰۰۳	
بازده دارایی‌ها	۰/۰۰۰	۱/۱۷۲	۰/۲۴۱	۱/۴۰۱	
رشد فروش	-۰/۱۲۱	-۱۳/۵۱۴	۰/۰۰۰	۱/۱۲۷	
نوسان	۰/۰۱۸	۳/۹۱۶	۰/۰۰۰	۲/۰۲۵	
سن	۰/۱۸۹	۱۲/۲۸۹	۰/۰۰۰	۱/۰۲۰	

اماره دوربین-واتسون	۲/۰۲	احتمال آزمون Fفیشر	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیلی	۰/۰۰۳	مقدار آزمون Fفیشر	۶۷/۸۸۳

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش گامی در جهت درک بهتر اجتناب از مالیات با بررسی نقش کیفیت اطلاعات داخلی شرکت و کیفیت افشا در ایجاد نتایج مالیاتی است. با بررسی ۹۶۷ سال-شرکت شامل ۱۶۹ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲، ضرایب دو شاخص کیفیت اطلاعات داخلی (صحت پیش‌بینی سود و عدم تجدید ارائه) معنادار بوده و مثبت بودن ضرایب در دو الگو نشان می‌دهد که افزایش در کیفیت اطلاعات داخلی، منجر به افزایش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها شده است. بنابراین هم‌راستا با تئوری تصمیم که بیان می‌دارد کیفیت تصمیمات متأثر از اطلاعاتی است که بر مبنای آن‌ها اتخاذ می‌گردند و همچنین پژوهش‌های انجام‌شده در داخل و خارج از کشور (بریزل و دنگ، ۲۰۰۸؛ بهرام‌فر و رسولی، ۱۳۷۷)، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت اطلاعات داخلی بالاتر با اجتناب مالیاتی بیشتری همراه است. طبق پژوهش‌های قبلی (چنهال و موریس، ۱۹۸۶)، تاثیر کیفیت اطلاعات داخلی بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها متفاوت است و براساس یافته‌های پژوهش گالبریث (۱۹۷۴)، یکی از علل تفاوت می‌تواند وجود درجه‌ی متفاوتی از عدم قطعیت در شرکت‌ها باشد. بنابراین در این تحقیق برای پاسخ به این پرسش که آیا افزایش عدم قطعیت رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی و اجتناب مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بررسی ضرایب در فرضیه دوم، نشان می‌دهد که احتمال معناداری ضرایب متغیر مستقل در هر سه الگو برابر صفر بوده و لذا رابطه معناداری بین کیفیت اطلاعات داخلی و اجتناب مالیاتی وجود دارد. توجه به احتمال معناداری متغیر کیفیت اطلاعات در شرکت‌هایی با عدم قطعیت بالا با مقدار صفر نشان می‌دهد که کیفیت اطلاعات در شرکت‌هایی با عدم قطعیت بالا، بر روی اجتناب مالیاتی اثر معنادار دارد، لیکن این اثر تنها در شاخص دوم کیفیت اطلاعات با نام صحت پیش‌بینی سود مثبت می‌باشد و بیان می‌کند که کیفیت اطلاعات اثر مثبتی بر اجتناب مالیاتی برای شرکت‌هایی با عدم قطعیت بالا دارد. بنابراین اثر مثبت صحت پیش‌بینی مدیر به‌عنوان شاخصی از کیفیت اطلاعات داخلی، بر اجتناب مالیات، در شرکت‌های با عدم قطعیت بالاتر، بیشتر است.

بررسی ضرایب در فرضیه سوم، نشان می‌دهد که احتمال معناداری ضرایب متغیر مستقل در هر سه الگو برابر صفر بوده و لذا رابطه معناداری بین کیفیت اطلاعات داخلی و ریسک مالیاتی وجود دارد. لیکن ضریب متغیر کیفیت اطلاعات داخلی در هر سه الگو بزرگتر از صفر بوده و این امر نشان می‌دهد که افزایش در کیفیت اطلاعات منجر به افزایش ریسک مالیاتی شده است. بنابراین نتایج این پژوهش حاکی از این است که برخلاف آنچه براساس مبنای نظری انتظار می‌رفت که شرکت‌هایی که محیط اطلاعات داخلی آن‌ها باکیفیت‌تر است، بدون اینکه ریسک بالاتری را متحمل شوند، می‌توانند روش‌های اجتناب از مالیات را اجرا کنند، کیفیت بالاتر اطلاعات داخلی، ریسک ناشی از روش‌های اجتناب مالیاتی را کاهش نمی‌دهد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین کیفیت افشا و اجتناب از مالیات وجود دارد. ضریب منفی این متغیر نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش در امتیازات افشا، اجتناب مالیاتی به میزان حدود ۱۰٪ کاهش می‌یابد. بنابراین کیفیت افشا به‌عنوان سازوکار کاهش هزینه نمایندگی منجر به کاهش اجتناب از مالیات می‌گردد. اگر از دیدگاه ارزش‌آفرینی به مساله اجتناب از مالیات پرداخته شود، لازم است که به کیفیت اطلاعات داخلی به‌عنوان مبنای تصمیمات مالیاتی توجه شده و شرکت‌ها می‌توانند با بهبود کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی خود و بهبود نرخ دسترسی، سودمندی، قابلیت اطمینان، صحت و کیفیت داده‌ها و اطلاعاتی که در داخل شرکت، ایجاد، جمع‌آوری و یا مورد استفاده قرار می‌گیرند، در این جهت گام بردارند. و این موضوع برای شرکت‌هایی که با عدم قطعیت بالاتری فعالیت می‌کنند، از سودمندی بیشتری برخوردار است. از سوی دیگر اگر از دیدگاه مسئله نمایندگی، به موضوع اجتناب از مالیات پرداخته شود، لازم است که به کیفیت افشا به‌عنوان مکانیزم کاهش هزینه نمایندگی توجه بیشتری شود.

این پژوهش دستاوردهایی برای تحقیقات آتی به‌همراه دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: با استفاده از شاخص‌های استفاده‌شده برای کیفیت اطلاعات داخلی، پژوهش‌های آتی می‌توانند متغیرهای اثرگذار بر ریسک مالیات و اجتناب از مالیات متناسب با این ریسک، را بدست آورند. همچنین درک بازار از اجتناب از مالیات برای شرکت‌های با کیفیت اطلاعات داخلی بالا در برابر شرکت‌های با کیفیت اطلاعات داخلی پایین، ممکن است متفاوت گردد. بنابراین در موضوعات مرتبط با بازار سرمایه، می‌توان شرکت‌ها را به دو گروه شامل شرکت‌های با کیفیت اطلاعات داخلی بالا و شرکت‌های با کیفیت اطلاعات داخلی پایین، طبقه‌بندی نمود و سپس پژوهش‌های مرتبط را انجام داد.

یادداشت‌ها

1-Hanlon
2-Heitzman
3-Mills et al.

11-Galbraith
12-Kubick et al.
13-Desai

4-Robinson
5-Schmidt
6-Brazel
7-Dang
8-McKinnon
9-Chenhall
10-Morris

14-Dharmapala
15-Hodge
16-Kennedy
17-Mains
18-Jans
19-Orens
20-Baert

کتاب‌نامه

۱. افلاطونی، عباس. (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل آماری با *Eviews* در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی، تهران: انتشارات ترمه.
۲. بهرامفر، نقی و رسولی، ولی‌اله. (۱۳۷۷). ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مدیریت و نقش آن در تصمیم‌گیری مدیریت، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳ و ۲ (۲۵، ۲۴): ۱۰۹-۸۶.
۳. پورحیدری، امید، فدوی، محمدحسن. امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *یژوهشنامه اقتصادی*، ۱۴ (۵۲): ۸۵-۶۹.
۴. جهرومی، مهتاب. (۱۳۹۲). مالیات‌گریزی، تعاریف و نظریه‌ها، *مجله حسابداری*، ۲۵ (۳): ۴۲-۴۵.
۵. حقیقت، حمید و محمدی، محمدحسن. (۱۳۹۲). بررسی رابطه‌ی اجتناب مالیاتی با کیفیت افشا و ارزش شرکت، *نشریه مطالعات کمی در مدیریت*، ۴ (۴): ۲۲۸-۲۰۹.
۶. خدای‌پور، احمد و امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه، *یژوهشنامه مالیات*، ۲۱ (۱۹): ۱۵۵-۱۳۵.
۷. خواجه‌ای، شکراله. ممتازیان، علیرضا. دهقانی‌سعدی، علی‌اصغر. (۱۳۹۵). بررسی اثرگذاری قابلیت‌های مدیران بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها، *دانش حسابداری مالی*، ۳ (۳): ۴۵-۲۳.
۸. فرهنگ‌ی، علی‌اکبر. شاهمیرزایی، وحید. حسین‌زاده، علی. (۱۳۸۴). *نظریه پردازان و مشاهیر مدیریت*، تهران: انتشارات فراندیش.
۹. نمازی، محمد. غفاری، محمدجواد. فریدونی، مرضیه. (۱۳۹۱). تحلیل بنیادی رفتار چسبیده‌ی هزینه‌ها و بهای تمام شده با تأکید بر دامنه‌ی تغییرات در بورس اوراق بهادار تهران، *مجله پیشرفت‌های حسابداری*، ۶۳ (۲): ۱۷۷-۱۵۱.

10. Brazel, J. F., Dang, L., (2008). The Effect of ERP System Implementations on the Management of Earnings and Earnings Release Dates. *Journal of Information Systems*, 22(2): 1-21.

- 11.Chen, X.; Hu N.; Wang X.; and X Tang (2014). Tax Avoidance and Firm Value: Evidence from China, *Nankai Business Review International*, 5 (1): 25-42.
- 12.Chenhall, R. H., Morris, D., (1986). The Impact of Structure, Environment, and Interdependence on the Perceived Usefulness of Management Accounting Systems. *The Accounting Review*, 61(1): 16-35.
- 13.Desai, M. A., Dharmapala, D., (2005). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *The Review of Economics and Statistics*, 91(3): 537-546.
- 14.Galbraith, J. R., (1974). Organization Design: An Information Processing View. *Interfaces*, 4(3): 28-36.
- 15.Hanlon, M., Heitzman, S., (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics*, 50: 127-178.
- 16.Hodge, F. D., Kennedy, J. J., Mains, L. A., (2004). Does Search-Facilitating Technology Improve the Transparency of Financial Reporting? *The Accounting Review*, 79(3): 687-703.
- 17.Jans.M, Orens. O, Lybaert.N. (2005).The Relation between Disclosure Quality, Income Smoothing and Earnings' Timeliness, *Journal of Business Finance & Accounting*. 51(1): 25-44.
- 18.Kubick, R. Lynch, D. Mayberry, M. (2014). The Effects of Increased Financial Statement Disclosure Quality on Tax Avoidance: An Examination of SEC Comment Letters. *Journal of the American Taxation Association*, 33(2): 35-65.
- 19.McKinnon, J. D., (2012). Firms Pass Up Tax Breaks, Citing Hassles, Complexity. [Newspaper]. *Wall Street Journal*.
- 20.Mills, L. F., Erickson, M. M., Maydew, E. L., (1998). Investments in Tax Planning. *Journal of the American Taxation Association*, 20(1): 1-20.
- 21.Robinson, L., and A. Schmidt. (2013). Firm and Investor Responses to Uncertain Tax Benefit Disclosure Requirements. *The Journal of the American Taxation Association*, 35 (2): 85-120.